

نگاهی گذرا به زندگی و فضایل
حضرت زینب کبری سلام الله علیها

زینب



نگاهی گذرا به زندگی و فضایل حضرت زینب کبری سلام الله علیها

قلم زدن در باب زندگانی و فضایل حضرت زینب کبری صلوات الله علیهما امری مشکل و از عهده نویسندگان بر نیاید. خورشیدی که با طلوعش، گرمایی مجدد را به زندگی نورانی حضرت امیر و صدیقه شهیده سلام الله علیهما بخشید و با حضورش، نور دیگری بر خانه حضرت زهرا سلام الله علیها روشن شد. سومین فرزند این خانواده «زینب» نامگذاری شد تا به راستی با فصاحت و بلاغت و علم و تقوا و صبر بی نظیر خود، زینت پدر باشد. در نوشته پیش رو، به برخی از فضائل و سجایای اخلاقی ایشان اشاره می‌شود:

ولادت آن حضرت

وجود نورانی و مقدسه حضرت زینب کبری سلام الله علیها در پنجم جمادی الاولی سال پنجم هجری قدم به گیتی نهاد. پدر گرمی آن حضرت امیرمؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما و مادر آن حضرت؛ بانوی دو سرا، حضرت زهرا اطهر سلام الله علیها می‌باشد.

هنگامی که آن بانو به دنیا آمد، رسول خدا صلی الله علیه وآله به خانه امیرمؤمنان صلوات الله وسلامه علیه تشریف فرما شدند. رسول مکرم اسلام پس از دیدار آن نوگل، چشمانشان اشک بار گشته و این امر موجب نگرانی حضرت زهرا سلام الله علیها شده و خدمت پدر بزرگوارشان عرضه داشتند:

ما بیکیک یا اُبتی؟ لا أبکی الله لک عیناً.

پدر جان چه شده است که گریه می‌کنی؟ خداوند چشمان تو را گریان نکند.

و رسول خدا با صدایی محزون پاسخ دادند:

یا فاطمة، اعلمی أن هذه البنت بعدی وبعدک سوف تنصب علیها المصائب والرزایا.

ای فاطمه! بدان که این دختر بعد از من و تو مصیبت‌ها و بلاها بر او وارد می‌شود.

القرشی، باقر شریف، السیده زینب رائدة الجهاد فی الاسلام، ص ۴۱ المطبعة: مولف، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ هـ ۲۰۰۰ م.

مرحوم جزایری نیز واقعه را چنین نقل می‌کند:

روی آن زینب بنت علی بن ابی طالب (علیها الصلاة والسلام) لما ولدت أخبر بذلك رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فجاء إلى منزل فاطمة (علیها السلام) وقال: یا بنتاه! إیتینی بنیتک المولودة، فلما أحضرتها أخذها رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) وضمها إلى صدره الشريف، ووضع خده المنيف علی خدها فبکی بكاءً عالياً، وسال الدمع حتی جرى علی کریمته الشريفه.

فقال فاطمة (علیها السلام): مم بكاءک، لا أبکی الله عینیک یا اُبتاه؟

فقال (صلی الله علیه وآله وسلم): یا بنیه یا فاطمة! اعلمی أن هذه البنت بعدک وبعدی تبلی بیلایا فادحة، وترد علیها مصائب ورزایا مفجعة.

فبکت فاطمة (سلام الله علیها) عند ذلك، ثم قالت: یا اُبه! فما ثواب من بیکی علیها وعلی مصائبها؟

فقال (صلی الله علیه وآله وسلم): یا بضعتی ویا قره عینی إن من بکی علیها وعلی مصائبها کان ثواب بکائه کثواب من بکی علی أخیوها، ثم اختار لها اسم: (زینب).

الجزائری، السید نور الدین، الخصائص الزینبیه، ص ۳۲، دار النشر: الحوراء، الطبعة الأولى، ۱۴۲۵ هـ ۲۰۰۴ م.

روایت شده است هنگامی که زینب سلام الله علیها دختر حضرت علی علیه السلام به دنیا آمد، به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر دادند و آن حضرت به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها آمد و فرمودند: دخترم! دختر تازه متولد شده‌ات را به نزد من بیاور. هنگامی ایشان را آوردند، پیامبر آن کودک را در آغوش گرفتند و به سینه مبارک خود چسباندند و گونه مبارک خویش را به صورت آن نازدانه گذاشتند و بسیار گریستند تا جایی که اشک آن حضرت جاری و بر روی آن بانو ریخت. حضرت زهرا سلام الله علیها عرضه داشتند: علت گریه شما چیست؟ پدر جان خداوند چشم شما را گریان نکند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: دخترم! بدان که بعد از من و تو او به بلاهای دشواری مبتلا شده و سختی‌های زیاد و جانسوزی بر او وارد می‌شود.

در این هنگام حضرت زهرا سلام الله علیها گریه کردند و عرضه داشتند: ای پدر! ثواب کسی که بر او و بر مصائب او گریه کند چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ دادند: ای پاره وجودم و نور چشمم! کسی که بر او و مصیبت‌هایش گریه کند، ثوابش مانند گریه بر دو برادرش [امام حسن و امام حسین صلوات الله و سلامه علیهما] می‌باشد و سپس نام زینب را بر آن دختر انتخاب فرمود. برخی از مورخین تصریح کرده‌اند که رسول مکرّم اسلام، حضرت زینب سلام الله علیها را شبیه‌ترین افراد به حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها می‌دانستند.

رک: الجزائری، السید نور الدین، الخصائص الزینبیه، ص ۴۴-۴۵، دار النشر: الحوراء، الطبعة الأولى، ۱۴۲۵ هـ ۲۰۰۴ م.

دکتر عایشه بنت شاطی، از بانوان نویسنده مصری نیز چنین می‌نویسد:

إنها الزهراء بنت النبی، توشک أن تضع فی بیت النبوة مولوداً جدیداً، بعد أن أقرت عینی الرسول بسبطیه الحبیین: الحسن والحسین، وثالث لم یقدر الله له أن یتعیش، هو المحسن بن علی... .

عائشة عبد الرحمن بنت شاطی، السیده زینب عقیلة بنی هاشم رضی الله عنها، ناشر: دار الكتاب العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۰۶ هـ ۱۹۶۵ م.

۴

او زهرا، دختر پیامبر است. نزدیک است که در خانه نبوت، مولود جدیدی را بر جای گذارده بعد از آنکه چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به دو نوه‌اش حسن و حسین روشن گردیده بود و سومی هم کسی بود که خداوند زندگانی‌اش را تقدیر نکرد و آن محسن بن علی بود.

برخی از ویژگی‌های آن حضرت

از مهم‌ترین ویژگی‌های آن حضرت می‌توان به: حیا و عفت، عقل و کمال، مقام علمی، نیابت از امام زمان خود، راوی بودن آن حضرت، صابر بودن ایشان عبادت بی‌مثال آن بانو، هوش و ذکاوت، روحیه شجاعت، ملجأ و مأوا، بیان گر مصیبت حضرت ابا عبد الله الحسین سلام الله علیه و... اشاره کرد که بررسی این ویژگی‌ها می‌پردازیم:

حیا و عفت آن حضرت

حیا و عفت آن بانو تا جایی است که هنگام تشریف ایشان به زیارت نبی مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله، شمع و چراغ اطراف قبر آن حضرت را خاموش می‌کردند تا مبادا کسی سایه آن بانو را ببیند چنان چه وجود مقدس امام حسن مجتبی سلام الله علیه علت این امر را از پدر بزرگوار خود سوال و آن حضرت چنین پاسخ دادند:

وحدث یحیی المازنی قال : كنت فی جوار أمير المؤمنين فی المدينة مدةً مدیده، وبالقریب من البیت الذی تسکنه زینب ابنته، فلا والله ما رأیت لها شخصاً ولا سمعت لها صوتاً، وكانت إذا أرادت الخروج لزيارة جدّها رسول الله تخرج لیلاً والحسن عن یمینها والحسین عن

شمالها وأمیر المؤمنین (ع) أمامها ، فإذا قربت من القبر الشريف سبقها أمير المؤمنين (ع) فأخذ ضوء القناديل ، فسأله الحسن (ع) مرة عن ذلك فقال (ع) : أخشى أن ينظر أحد إلى شخص أحتك زینب .

جمع من علماء البحرين والقطيف، وفيات الأئمة، ص ۴۳۵-۴۳۶ ، دار النشر: دار البلاغة للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، ۱۴۱۲ - ۱۹۹۱ م.

یحیی المازنی می گوید: مدت زیادی در مدینه همسایه حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و نزدیک منزلی که دخترش زینب سکونت داشت، بودم. به خدا قسم هیچ وقت او را ندیدم و هیچ صدایی از او نشنیدم و هنگامی که می خواست به زیارت جد خود مشرف شود، شب از منزل خارج می شد. امام حسن علیه السلام در سمت راست او و امام حسین علیه السلام در سمت چپ او و امیرالمومنین علیه السلام در جلوی او حرکت می کرد. هنگامی که به قبر می رسیدند، امیرالمومنین سلام الله علیه جلوتر می رسیدند و نور قندیل ها را خاموش می کردند. یک مرتبه امام حسن مجتبی سلام الله علیه از آن حضرت علت این کار را پرسیدند. امیرالمومنین سلام الله علیه پاسخ دادند: می ترسم کسی چشمش به خواهرت زینب بیافتد.

عقل و کمال

ابوالفرج اصفهانی تصریح می کند که آن حضرت راوی روایت فدک از صدیقه شهیده سلام الله علیها می باشد چنان چه می نویسد: زینب العقیله بنت علی بن ابی طالب. وأمها فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ... والعقیله هی التي روی ابن عباس عنه كلام فاطمة فی فدک، فقال: حدثتني عقيلتنا زینب بنت علی.

الاصفهانی، أبو الفرج علی بن الحسین (متوفای ۳۵۶هـ)، مقاتل الطالبیین، ص ۲۵، طبق برنامه الجامع الكبير.

زینب عقیله، دختر [حضرت] علی بن ابی طالب [سلام الله علیهما] می باشد. مادر او [حضرت] فاطمه [سلام الله علیها] دختر پیامبر می باشد. همین عقیله کسی است که ابن عباس کلام [حضرت] فاطمه [سلام الله علیها] پیرامون فدک را از او نقل کرده چنان چه ابن عباس گفت: عقیله ما زینب دختر [حضرت] علی [سلام الله علیه] برای من حدیث را نقل کرد.
دکتر عایشه بنت شاطی نیز چنین می نویسد:

وغلب علیها هذا اللقب فكان يقال العقیله فیعرف انها هی.

عائشة عبد الرحمن بنت شاطی، السیدة زینب عقیله بنی هاشم رضی الله عنها، ص ۵۳ ، ناشر: دار الكتاب العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۰۶ هـ ۱۹۶۵ م.

این لقب بر ایشان غلبه یافت فلذا به ایشان عقیله گفته می شد و به این لقب شناخته شد.

مقام علمی آن حضرت

در مقام علمی دختر امیرالمؤمنین همین بس که چهارمین حجت خداوند، حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه در مقام ایشان چنین فرمودند:

وَأَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مَفْهَمَةٍ.

الطبرسی، أبی منصور أحمد بن علی بن ابی طالب (متوفای ۵۴۸هـ)، الاحتجاج، ج ۲ ص ۳۰۵ ، تحقیق: تعلیق وملاحظات: السید محمد باقر الخراسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، ۱۳۸۶ - ۱۹۶۶ م.

و به حمدالله شما زن عالمی هست که استاد نداشته و فهمیده ای هستی که کسی به شما تفهیم نکرده است.

عایشه بنت شاطی از قول جاحظ نیز می نویسد:

و كان لها - فيما تقول بعض الروایات - مجلس علمی حافل، تقصده جماعة من النساء اللواتی یردن التفقه فی الدین.

عائشه عبد الرحمن بنت شاطیء، السیده زینب عقیله بنی هاشم رضی الله عنهما، ص ۵۳، ناشر: دار الکتب العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۰۶ هـ ۱۹۶۵ م.

چنان چه در برخی از روایات آمده است، حضرت زینب سلام الله علیها دارای مجلس علمی پربراری بوده و زنانی که قصد تفقه در دین داشتند بر [حلقه درسی] ایشان وارد می شدند.

عایشه شاطیء در همان کتاب نیز از قول جاحظ چنین می نویسد:

انها كانت تشبه أمها لطفاً ورقةً وتشبه أبها علماً وتقياً.

حضرت زینب سلام الله علیها از لحاظ لطافت و مهربانی شباهت به مادر خود داشته و در مقام علم و تقوا شبیه پدرش بود.

نیابت از امام زمان خود

برخی از مورخین و نویسندگان تصریح کرده اند که آن حضرت نایب حضرت سید الشهداء سلام الله علیه بوده است چنان چه از قول شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه چنین آمده است:

كانت زینب (سلام الله علیها) لها نیابة خاصة عن الحسين (عليه السلام) وكان الناس يرجعون إليها في الحلال والحرام حتى برئ زين العابدين (عليه السلام) من مرضه .

جمع من علماء البحرين والقطيف، وفيات الأئمة، ص ۴۴۰، دار النشر: دار البلاغة للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، ۱۴۱۲ - ۱۹۹۱ م.

حضرت زینب سلام الله علیها نیابت خاصه از امام حسین سلام الله علیه داشت و مردم در مسائل حلال و حرام به او مراجعه می کردند تا زمانی که امام سجاد سلام الله علیه از بیماری خوب شد.

شیخ صدوق رحمه الله علیه در کتاب «کمال الدین» روایتی از احمد بن ابراهیم نقل کرده است که حکیمه عمه امام زمان صلوات الله علیه و خواهر امام حسن عسکری علیهما السلام فرموده است، در قضیه عاشورا امام حسین علیه السلام خواهرش را وصی خودش قرار داد و اسرار و علوم امامت را به ایشان منتقل کرد تا بعدها برای امام سجاد علیه السلام برسد. حضرت با این عمل خویش، جان امام سجاد علیه السلام را از خطرات حفظ کرد.

و الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَوْصَى إِلَى أُخْتِهِ زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ فِي الظَّاهِرِ وَ كَانَ مَا يَخْرُجُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ عِلْمٍ يُنْسَبُ إِلَى زَيْنَبَ سَتْرًا عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۱، ناشر: اسلامیة - تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ.

امام حسین سلام الله علیه روز عاشورا در ظاهر امر به خواهرش زینب دختر امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت نمود.

بطوری که علمی که از امام زین العابدین علیه السلام ظاهر می گشت، به حضرت زینب نسبت می رسانید و امام حسین علیه السلام برای حفظ جان فرزندش زین العابدین، آن علوم را به خواهرش وصیت کرده بود که بعدها به امام زین العابدین بدهد.

مرحوم آیت الله خویی رحمه الله در مورد شخصیت شراکت ایشان با حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نیز چنین می نویسد:

إنها شريكة أخيها الحسين عليه السلام في الذب عن الاسلام والجهاد في سبيل الله، والدفاع عن شريعة جدها سيد المرسلين، فتراها في الفصاحة كأنها تفرغ عن لسان أبيها، وتراها في الثبات تنى عن ثبات أبيها، لا تخضع عند الجبارة، ولا تخشى غير الله سبحانه تقول حقا وصدقا، لا تحركها العواصف، ولا تزيلها القواصف، فحقا هي أخت الحسين عليه السلام وشريكته في سبيل عقيدته وجهاده.

الموسوی الخوئی، السید ابو القاسم (متوفای ۱۴۱۱هـ)، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة، ج ۲۴ ص ۲۱۹، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۲ م.

به تحقیق که او در دفاع از اسلام و جهاد در راه خدا و در دفاع از شریعت جدش، رسول خدا شریک برادرش امام حسین علیه السلام بود. در فصاحت چنین بود که گویا گوشه‌ای از لسان پدرش بود و در ثبات [قدم] به مانند پدرش بود، در مقابل افراد سرکش سر تعظیم فرود نمی‌آورد و از کسی غیر از خداوند پروا نداشت و کلامش حق و راستگویی بود، طوفان و تند باد روزگار او را تکان نمی‌داد و از بین نمی‌برد و حقا که او خواهر امام حسین علیه السلام و شریک آن حضرت در راه عقیده و جهاد است.

راوی روایات

یکی از ویژگی‌های حضرت زینب کبری سلام الله علیها، راویه بودن آن حضرت است که روایات متعددی نقل شده است که یکی از روایات آن، ایشان می‌باشند فلذا از قول مرحوم طبرسی رحمه الله نیز چنین نقل شده است:

إنَّ زینب علیها السَّلام روت أخبارا كثيرةً عن أمِّها الزهراء علیها السَّلام.

الحائری الشیخ محمد مهدی، شجرة طوبی، ج ۲ ص ۳۹۲، دار النشر: منشورات المكتبة الحیدریة ومطبعتها - النجف الأشرف، الطبعة الخامسة، محرم الحرام ۱۳۸۵هـ

به تحقیق که حضرت زینب سلام الله علیها روایات زیادی را از مادرش حضرت زهرا سلام الله علیها نقل کرده است. با دقت در برخی از متون، این مساله نیز به خوبی مشهود است برای مثال در کتاب دلائل الامامه سندی آمده است که یکی از روایات آن، حضرت زینب کبری سلام الله علیها می‌باشد:

حدثنا أبو الجارود، قال: حدثنا أبو الحجاج، عن زینب ابنة علی، عن فاطمة بنت رسول الله (علیهم السلام)، قالت: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) لعلی (علیه السلام): أما إنک - یا بن أبی طالب - وشیعتک فی الجنَّة.

الطبری، ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم (متوفای قرن پنجم)، دلائل الامامه، ص ۶۸، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیة - مؤسسه البعثه، ناشر: مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثه، قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۳.

و در علل الشرایع نیز چنین آمده است:

عن أحمد بن محمد بن جابر عن زینب بنت علی قالت: قالت فاطمة علیها السلام فی خطبتها: لله فیکم عهد قدمه إلیکم. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، علل الشرائع، ج ۱ ص ۲۴۸، تحقیق و تقدیم: السید محمد صادق بحر العلوم، ناشر: منشورات المكتبة الحیدریة ومطبعتها - النجف.

مقام صبر و رضا

در مقام صبر و رضای آن بانو همین بس که زمانی که بالای جنازه برادر خود در دشت کربلا رسید این بدن مبارک را بر دست گرفت و خطاب به خداوند متعال چنین فرمود:

ثم بسطت یدیهما تحت بدنه المقدَّس و رفعته نحو السماء، و قالت: إلهی تقبل منَّا هذا القربان.

حرانی، سید عبدالله بن سید نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۱۱ ص ۹۵۳، محقق / مصحح: السید محمد باقر الموحّد الابطحی الاصفهانی، دار النشر: مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، الطبعة: ۱۴۱۳ ق.

سپس دستانش را زیر بدن مقدس برادر گذاشت و او را بالا گرفت و گفت: خدایا! این قربانی را از ما قبول فرما.

عبادت بی مثال

با دقت نظر در سیره شخصیه آن بانوی بی همتا، عبادت ایشان نیز مانند مادر گرامیشان، حضرت زهرا سلام الله علیها خاص و زبازد بود.

وجود مقدس حضرت زین العابدین سلام الله علیه پیرامون نماز شب آن حضرت چنین فرمودند: ما رأیت عمّتی تصلّی اللیل عن جلوس إلّا لیلة الحادی عشر، أی أنّها سلام الله علیها ما ترکت تهجدها، و عبادتها المستحبة حتّی فی تلك اللیلة الحزینة الّتی فقدت فیها کلّ عزیز، و لاقت ما لاقت فی ذلك الیوم من مصائب. بحرانی، سید عبدالله بن سید نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۱۱ ص ۹۵۳، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، دار النشر: مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، الطبعة: ۱۴۱۳ ق.

ندیدم که عمه‌ام نماز شب را نشسته بخواند مگر شب یازدهم محرم چرا که او هیچ شبی تهجد خودش را ترک نکرد و عبادت‌های مستحبی ایشان حتی تا این شب غم‌انگیزی که همه عزیزانش را از دست داده بود، برقرار بود و در آن روز، مصیبت بر آن حضرت پشت سر هم وارد می‌شد.

و همچنین چهارمین حجت خدا تصریح کرده‌اند که آن حضرت در جریان مصائب کربلا، حتی نافله شب ایشان ترک نشد: إن عمّتی زینب مع تلك المصائب و المحن النازلة بها فی طریقنا إلی الشام ما ترکت نوافلها اللیلیة.

بحرانی، سید عبدالله بن سید نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۱۱ ص ۹۵۳، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، دار النشر: مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، الطبعة: ۱۴۱۳ ق.

به تحقیق که عمه‌ام زینب سلام الله علیها با توجه به این مصیبت‌ها و سختی‌ها که در راه ما به شام بر او وارد شده بود، نافله‌های شب او ترک نشد.

مرحوم بحرانی رحمه الله به نقل از برخی از مورخین و منتبعین از قول حضرت امام سجاد سلام الله علیه نیز چنین می‌نویسد: إن عمّتی زینب کانت تؤدّی صلواتها من قیام، الفرائض و النوافل عند سیر القوم بنا من الکوفة إلی الشام، و فی بعض المنازل کانت تصلّی من جلوس.

فسألتهما عن سبب ذلك؟

فقال: اصلی من جلوس لشدة الجوع و الضعف منذ ثلاث لیل، لأنّها کانت تقسم ما یصیبها من الطعام علی الأطفال، لأنّ القوم کانوا یدفعون لكلّ واحد منّا رغیفا واحدا من الخبز فی الیوم و اللیلة.

بحرانی، سید عبدالله بن سید نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۱۱ ص ۹۵۳، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، دار النشر: مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، الطبعة: ۱۴۱۳ ق.

عمه‌ام زینب سلام الله علیها در مسیری که از کوفه تا به شام می‌رفتیم تمام نمازهای واجب و مستحبی را ایستاده اقامه می‌کرد و در برخی از منازل بین راه، نماز را نشسته می‌خواند.

از ایشان در مورد این امر سوال شد؟

پاسخ دادند: به خاطر شدت ضعف و گرسنگی‌ای که در طول سه شب عارض شده است، نماز را نشسته می‌خوانم چرا که این گروه [عمال یزید] در یک شبانه روز فقط یک قرص نان به هر یک از ما می‌دهند.

و حتی تاجایی مقام آن عبادت آن مخدره بالا بوده است که وجود مقدس اباعبدالله الحسین صلوات الله علیه از ایشان درخواست دعا می‌کردند:

إنّ الحسین علیه السّلام لمّا ودّع اخته زینب علیها السّلام ودّاعه الآخر قال لها: یا اختاه، لا تنسینی فی نافله اللیل.

بحرانی، سید عبدالله بن سید نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۱۱ ص ۹۵۳، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، دار النشر: مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، الطبعة: ۱۴۱۳ ق.
حضرت امام حسین علیه السلام هنگامی که با خواهرش زینب سلام الله علیها وداع کرد، در آخرین وداعش چنین فرمود: ای خواهرم! در نافله شبت مرا فراموش نکن.

هوش و ذکاوت

با تورق کتب اهل تسنن، در میابیم که هوش و ذکاوت و بزرگی آن بانو حتی مورد اعتراف عالمان و نویسندگان سنی نیز بوده است. برای مثال ابن حجر عسقلانی پیرامون ذکاوت و عقل آن حضرت چنین می نویسد:
زینب بنت علی بن ابی طالب بن عبد المطلب الهاشمیة سبطه رسول الله صلى الله عليه وسلم أمها فاطمة الزهراء قال بن الأثير إنها ولدت في حياة النبي صلى الله عليه وسلم وكانت عاقلة لبيبة جزلة زوجها أبوها بن أخيه عبد الله بن جعفر فولدت له أولادا وكانت مع أخيها لما قتل فحملت إلى دمشق وحضرت عند يزيد بن معاوية وكلامها ليزيد بن معاوية حين طلب الشامي أختها فاطمة مشهور يدل على عقل وقوة جنان.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى ۸۵۲هـ)، الإصابة في تمييز الصحابة، ج ۷ ص ۶۸۴، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲هـ - ۱۹۹۲م.

زینب دختر علی بن ابی طالب بن عبد المطلب، زنی از بنی هاشم و نوه رسول خدا صلی الله علیه و آله و مادرش فاطمه زهراء [سلام الله علیها] بود. ابن اثیر چنین گفته است: او در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنیا آمد و زنی عاقل، خردمند و فصیح بود. همسرش پسر برادر پدرش، عبدالله بن جعفر بود که از او صاحب چندین فرزند بود و هنگامی که برادرش به شهادت رسید، به دمشق برده شد و صحبت او با یزید هنگامی که یک فرد شامی خواهرش فاطمه را طلبید، دلالت بر عقل و شدت شجاعت او دارد.
ابن اثیر نیز پیرامون آن حضرت چنین می نویسد:

زَيْنْبُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ... وَكَانَتْ زَيْنْبُ امْرَأَةً عَاقِلَةً لَبِيْبَةً جَزَلَةً زَوْجَهَا أَبُوْهَا عَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا مِنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَخِيهِ جَعْفَرٍ ... وَكَانَتْ مَعَ أُخِيْهَا الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ لَمَّا قُتِلَ ، وَحُمِلَتْ إِلَى دِمَشْقَ ، وَحَضَرَتْ عِنْدَ يَزِيْدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ ، وَكَلَامُهُمَا لِيَزِيْدِ حِيْنَ طَلَبَ الشَّامِيُّ أُخْتَهَا فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ مِنْ يَزِيْدٍ ، مَشْهُورٌ مَذْكُورٌ فِي التَّوَارِيخِ ، وَهُوَ يَدُلُّ عَلَى عَقْلِ وَقُوَّةِ جَنَانِ.

ابن أثير الجزري، عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد (متوفى ۶۳۰هـ)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۷ ص ۱۴۶، تحقيق: عادل أحمد الرفاعي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م.

زینب دختر علی بن ابی طالب ... او زنی عاقل، خردمند و فصیح بود. پدرش او را به ازدواج فرزند برادرش عبدالله در آورد ... او با برادرش بود و هنگامی که برادرش به شهادت رسید، به دمشق برده شد و صحبت او با یزید هنگامی که یک فرد شامی خواهرش فاطمه را طلبید، مساله‌ای مشهور و در تاریخ ذکر شده و دلالت بر عقل و شدت شجاعت او دارد.

روحیه شجاعت

روحیه شجاعت و شهامت در وجود خانواده امیرالمؤمنین سلام الله علیه زبانزد خاص و عام است. رشادت‌های آن حضرت در جنگ‌ها مورد اعتراف همگان قرار گرفته و دلاوری‌های آن حضرت در جنگ‌هایی نظیر خیبر و... مورد انکار نیست.

همین روحیه در وجود مقدسه و منوره حضرت زینب سلام الله علیها نیز وجود داشته است چنان چه شیخ صدوق رحمه الله می نویسد:
ثُمَّ إِنَّ ابْنَ زِيَادٍ لَعَنَهُ اللَّهُ دَعَا بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَ وَ النَّسْوَةَ وَ أَحْضَرَ رَأْسَ الْحُسَيْنِ عَ وَ كَانَتْ زَيْنْبُ ابْنَةَ عَلِيٍّ عَ فِيهِمْ فَقَالَ ابْنُ زِيَادٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَ قَتَلَكُمْ وَ أَكْذَبَ أَحَادِيثَكُمْ فَقَالَتْ زَيْنْبُ عَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِمُحَمَّدٍ وَ طَهَّرَنَا تَطْهِيرًا إِنَّمَا يَفْضَحُ اللَّهُ

الْفَاسِقِ وَ يَكْذِبُ الْفَاجِرَ قَالَ كَيْفَ رَأَيْتَ صُنَعَ اللَّهُ بِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَتْ كَتَبَ إِلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَيَّ مَضْجِعِهِمْ وَ سَجَّعَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَتَتَحَاكَمُونَ عِنْدَهُ فَغَضِبَ ابْنُ زَيْادٍ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَيْهَا.

سپس ابن زیاد علی بن الحسین و زنان را با سر حسین احضار کرد و زینب دختر علی با آنها بود ابن زیاد گفت حمد خدا را که شما را رسوا کرد و احادیث شما را دروغ در آورد زینب فرمود حمد خدا را که ما را به محمد گرامی داشت و به خوبی پاکیزه کرد همانا فاسق رسوا شود و فاجر دروغ گوید، گفت خدا با شما خاندان چه کرد؟ گفت سرنوشت آنها شهادت بود و به آرامگاه خود برآمدند و محققا خدا تو را با آنها جمع کند و نزد او محاکمه شوید، ابن زیاد خشم کرد.

همچنین شیخ صدوق رحمه الله در ادامه چنین می نویسد:

عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ عَ أَنَّهَا قَالَتْ لَمَّا أُجْلِسْنَا بَيْنَ يَدَيْ يَزِيدَ بْنِ مَعَاوِيَةَ رَقَّ لَنَا أَوَّلَ شَيْءٍ وَ أَلْطَفْنَا ثُمَّ إِنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الشَّامِ أَحْمَرَ قَامَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَبْ لِي هَذِهِ الْجَارِيَةَ تُعِينِنِي وَ كُنْتُ جَارِيَةً وَضِيئَةً فَأَرَعَبْتُ وَ فَرَقْتُ [فَرَعْتُ] وَ ظَنَنْتُ أَنَّهُ يَفْعَلُ ذَلِكَ فَأَخَذْتُ بِثِيَابِ أُخْتِي وَ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي وَ أَعْقَلُ فَقَالَتْ كَذَبْتَ وَ اللَّهُ وَ لَعْنَتْ مَا ذَاكَ لَكَ وَ لَا لَهُ فَغَضِبَ يَزِيدٌ فَقَالَ بَلْ كَذَبْتَ وَ اللَّهُ لَوْ شِئْتُ لَفَعَلْتُهُ قَالَتْ لَا وَ اللَّهُ مَا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ لَكَ إِلَّا أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَلْتِنَا وَ تَدِينَ بَعِيرٍ دِينًا فَغَضِبَ يَزِيدٌ ثُمَّ قَالَ إِيَّايَ تَسْتَقْبِلِينَ بِهَذَا إِنَّمَا خَرَجَ مِنَ الدِّينِ أَبُوكَ وَ أَخُوكَ فَقَالَتْ بِدِينِ اللَّهِ وَ دِينِ أَبِي وَ أَخِي وَ جَدِّي اهْتَدَيْتِ أَنْتَ وَ جَدُّكَ وَ أَبُوكَ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، الأمالی، ص ۱۶۵ و ۱۶۷، تحقیق و نشر: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسه البعثة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ.

از فاطمه بنت علی نقل شده که چون ما را در برابر یزید نشانند اول بار بر ما رقت کرد و با ما با ملاطفت برخورد نمود یک شامی سرخگونی برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین این دخترک را بمن ببخش مقصودش من بودم که دخترکی خوش چهره بودم من ترسیدم و به هراس افتادم و گمان کردم این کار را می کند که دامن خواهر بزرگتر و فهمیده تر خود را گرفتم او خطاب به شامی گفت: دروغ گفتمی و ملعون شدی این حق را نه تو داری و نه او (یعنی یزید).

یزید خشمگین شد و گفت: تو دروغ گفتمی به خدا اگر بخواهم انجام می دهیم.

خواهرم فرمود: نه به خدا! خدای تو این حق را نداده مگر آنکه از ملت و دین ما بیرون شوی. یزید خشم کرد و گفت با من چنین می گوئی؟ همانا پدر و برادرت از دین بیرون شدند.

خواهرم در جوابش گفت: به دین خدا و دین پدر و برادر و جد من تو و جد و پدرت هدایت شدید.

ملجأ و مأوا

از جمله ویژگی های حضرت زینب سلام الله علیها، ملجأ بودن ایشان برای همه می باشد و حتی علمای اهل سنت نیز به ایشان متوسل می شدند و آن حضرت را پناه گاه خود می دانستند چنان چه شبلنجی از علمای اهل سنت از قول شیخ عبد الرحمن آجهوری چنین می نویسد:

قال الشيخ عبد الرحمن الآجهوری المقرئ في كتابه مشارق الانوار: قد حصل لي في سنة سبعين ومائة بعد الألف كرب شديد من كرب الزمان فتوجهت الى مقام السيدة زينب المذكورة وانشدتها هذه القصيدة فانجلي عنى الكرب ببركتها و هي:
آل طه لكم علينا الولاء ... الخ.

شبلنجی، نور الابصار، ص ۱۱۵، مطبعة مصطفى محمد - مصر، بدون تا.

در کتاب شیخ عبدالرحمن آجهوری که نامش مشارق الانوار است خواندم که [نوشته بود]: در سال هزار و صد و هفتاد برایم گرفتاری شدیدی از گرفتاری های زمانه حاصل شده بود. به مقام سیده زینب که مذکور است توجه کردم و این قصیده را سرودم، به برکت آن قصیده سختی از من برداشته شد و آن قصیده این است: آل طه، ولایت شما بر ماست تا آخر شعر.

بیانگر مصائب ابا عبدالله الحسین علیه السلام

مصائب جانکاه کربلا منحصر و قابل بیان نیست. از شهادت طفل شش ماهه تا شهادت قمر منیر بنی هاشم و شهادت حجت خدا، حضرت ابا عبدالله الحسین سلام الله علیه از طرفی و قحط آب و زجر و سختی اهل بیت علیهم السلام از طرفی، قابل بیان و توضیح نیست و آنچه که در کتب مسطور است، فقط گوشه‌ای از مصیبت اهل بیت علیهم السلام و ظلم و جنایت یزیدیان است. کشته شدن مردان، اسارت زنان از جمله وقایع تلخی است که توسط بدترین مردمان آن زمان اتفاق افتاد. قره بن قیس عبور حضرت زینب کبری سلام الله علیها از کنار بدن مبارک سید الشهداء سلام الله علیه را چنین بیان می‌کند:

قَالَ قَرَّةُ بْنُ قَيْسٍ فَلَمَّ أَنْسَ قَوْلَ زَيْنَبِ ابْنَةِ عَلِيٍّ عَ حِينَ مَرَّتْ بِأَخِيهَا صَرِيحاً وَ هِيَ تَقُولُ يَا مُحَمَّدَاهُ صَلَّى عَلَيْكَ مَلِيكَ السَّمَاءِ هَذَا حُسَيْنٌ بِالْعَرَاءِ مُرْمَلٌ بِالدَّمَاءِ مُقَطَّعُ الْأَعْضَاءِ يَا مُحَمَّدَاهُ وَ بَنَاتُكَ سَبَايَا وَ ذُرِّيَّتُكَ قَتْلَى تَسْفِي عَلَيْهِمُ الصَّبَا. فَأَبَكْتَ كُلَّ صَدِيقٍ وَ عَدُوٍّ.

ابن نما حلی، جعفر بن محمد، مشیر الأحرار، ص ۸۴، مدرسه امام مهدی علیه السلام، مدرسه امام مهدی (عج)، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۶ ق.

«قره تمیمی» می‌گوید: من هرگز سخنان جانسوز دخت امیرمؤمنان، «زینب»، به هنگامه عبور از کنار پیکر به خون خفته برادرش، حسین را فراموش نکرده‌ام که چنین می‌گفت:

ای محمد! ای پیامبر خدا! درود فرمانروای آسمان‌ها بر تو باد! ای نیای بزرگ! این حسین توست که در این بیابان خشک و سوزان، به خون خویش غوطه‌ور گردیده و با پیکری قطعه قطعه، بر خاک افتاده است.

ای محمد! اینان دختران تو هستند که به بند اسارت کشیده شده و این فرزندان و نسل تو اند باد صبا بر این نازنین بدن‌ها می‌وزد. در این هنگام بود که همه دوست و دشمن گریه کردند.

مشابه همین مطلب نیز در برخی از منابع اهل سنت آمده است:

ر ک: البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (متوفای ۲۷۹هـ)، أنساب الأشراف، ج ۱ ص ۴۲۴، طبق برنامه الجامع الكبير.

سر انجام آن بانوی مظلومه پس از سال‌ها تحمل درد و رنج و غم از دست دادن بهترین عزیزانش در حادثه جانکاه کربلا، پس ابلاغ پیام امامت و مفتضح ساختن بنی‌امیه و یزیدیان، در پانزدهم ماه رجب سال ۶۳ هـ رخت از دنیا بر بست و به شهادت رسید.